



مدل توسعه‌ای-ترویجی مناسب برای توسعه‌ی جنگلداری اجتماعی در استان کهگیلویه و بویراحمد، مورد مطالعه روستاهای بخش مارگون

زکریا محمدی تمری^۱، مصطفی احمدوند^۲

چکیده

رهیافت جنگلداری اجتماعی و توسعه‌ی مطلوب آن در روستاهای حاشیه‌ی جنگل، منجر به توسعه‌ی پایدار روستایی خواهد شد. لذا، هدف پژوهش حاضر ارائه مدل مناسب توسعه‌ی جنگلداری اجتماعی در استان کهگیلویه و بویراحمد و بطور اخص روستاهای بخش مارگون بود. به منظور جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز از روش‌های اسنادی، میدانی و مصاحبه متمرکز با ۱۵ نفر از کارشناسان امر بهره گرفته شد. به منظور ارائه مدل مورد نظر، از مدل اولیه ترویجی رولینگ و رویکرد بومی‌سازی آن برای موضوع و منطقه مورد مطالعه استفاده شد. در این مدل پنج بُعد شامل گروه هدف، روش‌ها، تمهیدات، سازمان و اهداف در قالب پنج سؤال مهم مطرح شد و با استفاده از مصاحبه متمرکز و سایر اطلاعات سعی در تدوین محتوایی و ساختاری آن شد. به این ترتیب مدل توسعه جنگلداری اجتماعی در قالب نگاره‌ای طراحی گردید. در این مدل گروه هدف همان کشاورزان و دامداران، جوانان روستایی، زارعان پیشرو و معتمدان محلی بوده که دارای ویژگی‌های خاصی می‌باشند. همچنین روش‌هایی نظیر کلاس-های آموزشی-ترویجی، مخاطب نمونه، بازدید مخاطب از اداره ترویج، گردهمایی و رسانه‌های ارتباط جمعی معرفی شد که از فیلتری بومی عبور داده شدند. در ادامه سازمان ترویج بررسی و برخی تمهیدات نیز در مدل ارائه شدند. در نهایت اهدافی از قبیل تسهیلگری، توانمندسازی، پایداری زیست‌محیطی، افزایش بهره‌وری و برقراری عدالت به عنوان اهداف اصلی توسعه جنگلداری اجتماعی در منطقه مورد مطالعه ارائه شد.

واژه‌های کلیدی: مدل توسعه‌ای-ترویجی، توسعه روستایی، جنگلداری اجتماعی، روستاهای مارگون، بویراحمد

^۱ کارشناسی ارشد توسعه روستایی دانشگاه یاسوج

^۲ دانشیار گروه مدیریت توسعه روستایی دانشگاه یاسوج



مقدمه

علی رغم رشد سریع شهرنشینی و مهاجرت بسیاری از روستاییان، در حال حاضر بیش از یک سوم از جمعیت ایران را روستاییان تشکیل می دهند. این کثرت جمعیت و نیازی که جوامع شهری به فعالیت های تولیدی روستاییان دارد، اهمیت مسأله برنامه ریزی بهتر را ترویج کشاورزی و منابع طبیعی جوامع مطرح ساخته و باید برای تدوین روش ها و مدل های برنامه ریزی آموزشی و ترویجی توسعه روستایی کوشش بیشتری اعمال شود (فیاضی، ۱۳۷۷)، زیرا رهیافت ها و مدل های ترویجی شکل و جوهر یک نظام ترویج محسوب می شوند و از طریق آنها نوعی از پیام ها تهیه و به روستاییان عرضه می گردد و برای برنامه ریزی در حوزه ترویج روستایی بسیار مناسب می باشند (حیدری و همکاران، ۱۳۸۴). در این میان برنامه ریزی ترویج در حوزه منابع طبیعی و بطور اخص جنگل های حوزه های روستایی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. جنگل ها در حقیقت از ارکان اصلی توسعه پایدار در هر کشوری محسوب می شوند (FAO, ۱۹۹۴) و نقش مهمی را در زندگی مردم در کشورهای در حال توسعه ایفاء می کند (Shackleton et al., ۲۰۰۷). این عرصه ها در صورت استفاده و مدیریت صحیح، قادر به تولید محصولات باارزش برای ارتقای معیشت جوامع می باشند (رضوانفر و شریفزاده، ۱۳۸۲). از سویی نیز این عرصه ها در معرض تخریب و بهره برداری غیراصولی از طرف روستاییان، بویژه روستاییان ساکن حاشیه ی جنگل قرار دارند. از آنجایی که مدیریت پایدار جنگل به عنوان یکی از موضوعات اساسی توسعه ی پایدار روستایی می باشد، لذا، مشارکت روستاییان حاشیه ی جنگل راهکاری برای تحقق این هدف معرفی می گردد (عبادی، ۱۳۸۵). برای دستیابی به این مهم، یکی از مهم ترین آنها که با محوریت مشارکت مردم محلی نیز می باشد، جنگلداری اجتماعی^۲ است، که به عنوان یک راهبرد توسعه ای، از سال ۱۹۷۰ به بویژه در مناطق استوایی برای رسیدگی به تخریب جنگل و ترویج جوامع روستایی به حفظ و توسعه ی آن معرفی و تأثیرات زیادی هم داشته است و به عنوان ابزاری مناسب برای سیاست گذاران و برنامه ریزان حوزه ی ترویج کشاورزی و منابع طبیعی می باشد (Hasegawa et al., ۲۰۱۲). بنابراین، می توان دریافت که ارائه مدل مناسب ترویجی برای توسعه ی جنگلداری اجتماعی در روستاهای حاشیه ی جنگل بسیار حائز اهمیت است و منجر به توسعه پایدار خواهد شد، اما انتخاب و ارائه ی، مدل توسعه ای - ترویجی مناسب به عوامل زیادی از جمله شرایط اقتصادی و اجتماعی یک منطقه، سطح سواد گروه های هدف، صلاحیت ها و مهارت های حرفه ای کارکنان ترویج، امکانات اجرایی و تسهیلاتی، محتوای پیام های ترویجی، منابع مالی و غیره بستگی دارد (حیدری و همکاران، ۱۳۸۴). بنابراین، نیاز به سازوکارهایی است که هم عوامل یاد شده را برای گروه های هدف ترویج یا منطقه ی مورد نظر شناسایی کرده، و هم مدلی مناسب برای برنامه ریزان حوزه ی ترویج کشاورزی و منابع طبیعی ارائه نماید. لذا، در این زمینه نیاز به پژوهش ها و مطالعاتی است که بر این مهم فائق آیند که پژوهش حاضر نیز عیناً بر آن است.

یکی از عرصه های جنگلی در کشور ایران رویشگاه جنگلی زاگرس می باشد که در امتداد رشته کوه زاگرس، از شمال شهرستان ارومیه در استان آذربایجان غربی شروع و تا حوالی شهرستان فیروزآباد در استان فارس واقع شده است (زندبصری و غضنفری، ۱۳۸۹) که استان کهگیلویه و بویراحمد نیز به عنوان یکی از استان هایی است که در محدوده ی رویشی زاگرس و در قسمت جنوبی آن واقع شده است و با دارا بودن مساحتی معادل ۱/۷ میلیون هکتار، دارای بیش از ۸۰۰ هزار هکتار جنگل، معادل ۶ درصد جنگل های کل کشور را دارا می باشد و سهم بزرگی از عرصه های جنگلی زاگرس را نشان می دهد (رحیمیان و همکاران، ۱۳۸۹). جنگل های این استان هم عامل معیشت روستایی بوده و هم در معرض بهره برداری غیراصولی قرار دارد. لذا، نیاز به توجه جدی سیاست گذاران و برنامه ریزان و به طور اخص بخش ترویج کشاورزی و منابع طبیعی می باشد تا با برنامه ریزی مطلوب بر توسعه ی پایدار این مناطق صحنه گذارند. بنابراین، توسعه ی رهیافت جنگلداری اجتماعی می تواند عامل مهمی جهت دستیابی به این مهم باشد که پژوهش حاضر در پی معرفی مدلی از آن است. لذا مسئله ای که پژوهش حاضر مطرح می گردد، این است که مدل مناسب توسعه ی جنگلداری اجتماعی در استان کهگیلویه و بویراحمد کدام است و اصولاً چه سازوکارهایی برای دستیابی به آن نیاز است.

در ادامه به منظور درک بهتر از توسعه و ترویج جنگلداری اجتماعی تعاریفی ارائه می گردد. ترویج عبارت از یک نظام خدمات آموزشی است که روستاییان را از طریق بهبود روش ها و فنون کشاورزی و افزایش کارایی تولید و درآمد، ارتقای سطح زندگی و بالابردن استانداردهای اجتماعی و آموزشی جامعه روستایی، تحت تأثیر قرار می دهد (حیدری و همکاران، ۱۳۸۴). اهداف کلان آن بر حفاظت از منابع حوزه های

^۲ Social forestry



منابع طبیعی، احیاء عرصه های تخریب شده، توسعه فضای سبز و جنگل و کنترل روند بیابان زدایی و تخریب منابع پایه با مشارکت گروه‌ها، تشکل‌های غیردولتی و دولتی و بهره‌برداران تاکید دارد و یکی از اهداف خرد آن تسهیل در مشارکت روستایی بوده که توانمندسازی بهره‌برداران در ایفای نقش مؤثرتر در فرآیند حفظ و احیای منابع طبیعی، آموزش مردم، بهره‌گیری از توانائی‌های مؤثر فردی و گروهی، سازماندهی و ایجاد تشکل‌های محلی و آموزش کارگروهی راه دستیابی به این هدف است (سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور، ۱۳۹۵).
تأکید بر سهیم شدن مردم جوامع محلی در الگوهای نوین توسعه در کنفرانس ریو در سال ۱۹۹۲ میلادی در برزیل تحت عنوان "برنامه کار ۲۱" به تصویب رسید که ضمن آن کلیه کشورهای شرکت کننده برای دستیابی به اهداف زیست‌محیطی و بهره‌گیری از مشارکت‌های مردمی در سطوح محلی، ملی و منطقه‌ای به توافق رسیدند. تأکید ویژه این دستورالعمل بر توانمندسازی مردم محلی با سازماندهی خود و تشکیل سازمان‌های محلی با هدف حفاظت پایدار از عرصه‌های طبیعی و جنگلی توسط مردم و برای مردم است تا ضمن آن به راهکارهای توسعه و بهبود وضعیت معیشتی ذینفعان نیز توجه شود (طراوتی، ۱۳۸۱). یکی از این راهکارها رهیافت جنگلداری اجتماعی بود که تعاریف زیادی از آن شده است. واژه‌ی جنگلداری اجتماعی، نخستین بار در سال ۱۹۶۸ توسط وستوبی^۴ در نهمین کنگره‌ی جنگلداری کشورهای مشترک‌المنافع در هند، بکار گرفته شد (Dongre, ۲۰۱۱) و از آن به عنوان منفعتی برای کشورهای در حال توسعه و تلاشی برای رسیدن به احیای جنگل در مناطق مورد نیاز و حفظ زیست‌بوم‌های جنگلی و تأمین نیازهای بشر یاد شد (Bielski, ۲۰۰۸). این رهیافت، گروهی از اعضای جامعه‌ی محلی را مدنظر قرار می‌دهد که مدیریت و رشد درختان و جنگل‌ها را بر عهده می‌گیرند که برای رفع نیازهایشان مؤثر می‌باشد. بنابراین، ماهیت این رهیافت، پاسخگویی به نیازهای اساسی مردم می‌باشد که به موجب آن مشارکت جامعه به رسمیت شناخته شده و از طرفی به عنوان سنگ بنای مدیریت پایدار جنگل‌ها مطرح می‌باشد. به طور کلی این رهیافت، هنگامی به کار گرفته می‌شود که دولت با بودجه کم مواجه شده و از این رهیافت به عنوان ابتکاری برای تشویق به مدیریت یا احیای جنگل‌ها توسط مردم محلی، استفاده می‌کند. این رهیافت در قالب برنامه‌هایی برای بهبود شرایط جنگل‌ها و پاسخگویی به تقاضای رو به رشد برای محصولات جنگلی در روستاها و جوامع محلی حاشیه‌ی جنگل، اجرا می‌شود که نقش حیاتی در گسترش پوشش جنگل‌ها ایفاء کرده و موجب بهبود کیفیت زندگی برای بسیاری از جوامع روستایی می‌شود (Bielski, ۲۰۰۸). پژوهش‌های زیادی نیز در مورد جنگلداری اجتماعی در داخل و خارج صورت گرفته که به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌گردد:

ثمری و چیدری (۱۳۸۴) در پژوهشی با عنوان طراحی الگوی مناسب ترویج جنگلداری اجتماعی در حوزه‌ی رویشی زاگرس عامل ترویج را برای طراحی الگو، مدنظر قرار دادند و بیان داشتند که روستاییان حاشیه‌ی جنگل با آگاهی از فعالیت‌های فنی، اقتصادی و اجتماعی مورد نیاز برای احیاء، توسعه و بهره‌برداری مطلوب تحت نظارت کارشناسان و مروجان منابع طبیعی به جنگلداری در حوزه زاگرس مبادرت نمایند و عواملی نظیر توانمندسازی مخاطبین ترویج جنگلداری، توانمندسازی عاملین ترویج جنگلداری، تمرکززدایی در مدیریت ترویج جنگلداری، نیاز ساکنان به آموزش شیوه‌های مختلف جنگلداری و انتخاب روش مناسب آموزشی را زمینه‌ساز مشارکت مؤثر آن‌ها و در طراحی الگوی مناسب ترویج جنگلداری اجتماعی مؤثر دانسته‌اند. شمشاد (۱۳۸۷) نیز در مطالعه‌ی خود ترویج جنگلداری اجتماعی را راهکاری جهت حفظ و احیاء و توسعه جنگل می‌داند و اعلام می‌دارد که زمانی مردم جهت مشارکت در این عرصه وارد می‌شوند که برای آنها سود داشته باشد.

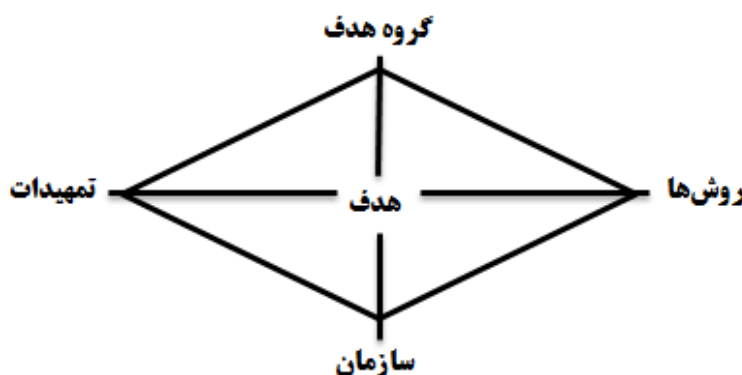
در پژوهشی روی افراد محلی ساکن پارک ملی جنگل نیجیریه، رهیافت جنگلداری اجتماعی برای پذیرش از جانب مردم منطقه و همچنین ادراک آنها را نسبت به آن سنجیده شده و نتایج آن نشان داد که ۵۰ درصد ساکنان از اجرای پروژه در منطقه رضایت داشته و عواملی نظیر آموزش و ویژگی‌های فردی بر ادراک آنها نسبت به این رهیافت تأثیر بسیار داشته است (Ezebilu, ۲۰۱۲).
(Hasegawa et al., ۲۰۱۲) در مطالعه‌ای با عنوان مواجهه با چالش‌های جنگلداری اجتماعی در ژاپن، رفتار مردم محلی اوکایاما با جنگل را مورد بررسی قرار دادند و دریافتند که با توجه به تخریب و بهره‌برداری غیر اصولی ساکنان از منابع جنگلی، پروژه‌های جنگلداری اجتماعی به عنوان ضرورتی برای مدیریت محلی در منطقه امری مهم تلقی می‌شود و بهترین راهکار برای حفاظت از جنگل‌های منطقه می‌باشد.

^۴ Vestoby

همچنین برای اجرای پروژه‌های جنگلداری اجتماعی در مناطق جنگلی، نیاز به انطباق پروژه‌ها با جوامع محلی مناطق بوده و رسیدن به شیوه‌های جنگلداری در مقیاس استاندارد جهانی نیازمند جذب مشارکت مردم می‌باشد (Wiersum et al., ۲۰۱۱). مطالعات ذکر شده بیانگر آن است که جنگلداری اجتماعی در واقع ضرورتی برای روستاییان حاشیه جنگل بوده و عوامل مختلفی در اعمال مدل مناسبی از آن در مناطق مورد مطالعه نقش دارند.

روش‌شناسی

روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی بوده که از روش‌های اسنادی و کتابخانه‌ای و روش میدانی و مصاحبه متمرکز^۵ با کارشناسان امر استفاده شده است. به منظور تدوین ساختاری و محتوایی توسعه جنگلداری اجتماعی، از مدل اولیه‌ی ترویجی رولینگ بهره گرفته شد، رولینگ عناصر ترویج را در پنج جزء گروه هدف، روش‌ها، تمهیدات، سازمان و اهداف، مانند شکل ۱ خلاصه می‌کند. همچنین، رولینگ معتقد است که نظام ترویج و بالطبع هر یک از اجزایی که نام برده شده، متأثر از نوع رهیافتی است که برای ترویج انتخاب می‌شود که در این پژوهش، رهیافت انتخاب شده همان مدل مناسب توسعه‌ی جنگلداری اجتماعی برای منطقه‌ی مورد مطالعه بوده و نظام ترویجی همان ترویج مخاطب‌محور است که در طی آن برنامه‌های ترویج به منظور رفع نیازهای گروه‌های منتخبی از خانواده‌های روستایی سازماندهی و هدایت می‌شوند.



شکل ۱: عناصر عمده در نظام ترویج

منبع: رولینگ، ۱۹۸۲

بالطبع، برای ارائه‌ی مدل ترویجی- توسعه‌ای متناسب با منطقه‌ی مورد مطالعه پژوهش حاضر، پاسخ به پنج سؤال زیر ضروری می‌باشد که عبارتند از:

- گروه‌های هدف ترویج جنگلداری اجتماعی در روستاهای مارگون شهرستان بویراحمد چه کسانی هستند؟
- چه روش‌هایی برای ترویج و توسعه‌ی جنگلداری اجتماعی در روستاهای مارگون وجود دارد؟
- چه تمهیداتی برای ترویج توسعه‌ی جنگلداری اجتماعی در روستاهای مارگون لازم است؟
- سازمان ترویج توسعه‌ی جنگلداری اجتماعی در روستاهای مارگون شهرستان بویراحمد چگونه است؟
- اهداف ترویج توسعه‌ی جنگلداری اجتماعی در روستاهای مارگون شهرستان بویراحمد چیست؟

بنابراین، پاسخ به این پنج سؤال، و یافتن مجموعه‌ای از اطلاعات پیرامون آنها، روشی مناسب برای توسعه‌ی مدل ترویجی رولینگ، و رسیدن به مدلی برای پژوهش حاضر می‌باشد. به این منظور همانطور که ذکر شد، از روش اسنادی و کتابخانه‌ای و بررسی مقالات علمی و

^۵ Focusing group interview



پژوهشی، و همچنین مصاحبه متمرکز با ۱۵ نفر از کارشناسان ترویج کشاورزی و منابع طبیعی و اساتید دانشگاهی، برای حصول اطلاعات لازم استفاده شد.

یافته‌ها و بحث

در این قسمت، ابتدا به تشریح اجزای اصلی و فرعی مدل پرداخته، سپس مدلی از آن ارائه خواهد شد. به منظور ارائه مدل مناسب توسعه‌ی اجتماعی، از مدل اولیه‌ی ترویجی رولینگ و گسترده کردن اجزای اصلی آن به کمک یافته‌ها و اطلاعات بدست‌آمده بهره گرفته شد که اجزای اصلی، به همراه اجزای فرعی در زیر آورده شده است.

● **سازمان ترویج:** به‌طور کلی می‌توان سازمان ترویج را با توجه به سلسله‌مراتبی بودن، به دو گروه ساختار بالا به پایین و پایین به بالا تقسیم‌بندی نمود (پاپزن و همکاران، ۱۳۸۶؛ عبدالهی، ۱۳۸۲؛ شاه‌ولی و عابدی‌سروستانی، ۱۳۸۴؛ محمودی‌کرمجوان و میردامادی، ۱۳۸۴). در ساختار بالا به پایین، واحدهای سازمانی به صورت دقیق و مشخص تعریف شده‌اند و ارتباط بین واحدهای سازمانی نیز بر اساس نمودار سازمانی مشخص می‌شود. به طوری که برای هر واحد سازمانی مشخص است که با کدام واحد سازمان می‌تواند در ارتباط باشد و جایگاه آن در سازمان در کجاست. فزون بر آن، سازماندهی به شکل متمرکز است و از مرکز هدایت و کنترل می‌شود. همچنین، نقش و وظیفه‌ی هر یک از افراد تعریف شده و مشخص است، بنابراین، مروج باید بر اساس شرح وظایف ابلاغ شده، به انجام وظیفه بپردازد. این ساختار همان ترویج دولتی است که در قالب سازمان ترویج ایفای نقش می‌کند (شاه‌ولی و عابدی‌سروستانی، ۱۳۸۴). اما در ساختار سلسله‌مراتبی پایین به بالا، اختیارات برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و اجرا در اختیار سازمان‌های میدانی، واحدهای تابعه‌ی دولت، شرکت‌های عمومی نیمه‌مستقل و در کل بخش خصوصی می‌باشد. به عبارت دیگر، فرآیند انتقال نیروها، اختیارات، کارکردها، مسئولیت‌ها و منابع لازم از طرف دولت به بخش‌های نام‌برده انتقال می‌یابد (محمودی‌کرمجوان و میردامادی، ۱۳۸۴). بنابراین، این‌گونه می‌توان گفت که ساختار سازمان ترویج در ایران عموماً به دو صورت کلی دولتی و خصوصی می‌باشد که هر کدام، بخشی از وظایف و مسئولیت‌های ترویج را بر عهده می‌گیرد (عبدالهی، ۱۳۸۲؛ آقاسی‌زاده و حسینی، ۱۳۸۳؛ فرخی و صدیقی، ۱۳۸۴؛ بهتاش و همکاران، ۱۳۸۵). به هر حال هر سازمان ترویجی که مدنظر قرار بگیرد، باید قادر به شناسایی گروه‌های هدف همگن مناسبی باشد و نیازمندی‌ها و ظرفیت‌های این گروه را به درستی ارزیابی کند. همچنین، اجازه‌ی مشارکت و یا کنترل به گروه‌های هدف محلی را بدهد و قادر به کمک به این گروه‌ها برای توسعه‌ی سازمان‌های اجتماعات محلی باشد. همچنین، به منبعی از ظرفیت‌های مناسب حل مسئله دسترسی داشته باشد تا بتواند بر انواع مشکلات بزرگ فائق آید و در پایان دارای رویه‌هایی برای تصمیم‌گیری باشد تا مردم محلی بتوانند پاسخگوی مشارکت خود باشند (احمدوند و همکاران، ۱۳۸۴). با توجه به موارد ذکر شده و هدف پژوهش در این قسمت، این‌گونه می‌توان استنباط نمود که سازمان ترویج در این مدل، همان نهاد متولی ترویج جنگلداری اجتماعی، در منطقه‌ی مارگون می‌باشد که بالطبع بخش دولتی و یا بخش خصوصی خواهد بود.

● **گروه هدف:** در حوزه‌ی طراحی و تدوین یک مدل ترویجی می‌باید دقیقاً مشخص شود که گروه‌های هدف و مخاطبین اصلی و عمده که می‌باید بیشترین بهره را از خدمات و برنامه‌های ترویجی کسب نمایند، چه گروه‌هایی از مردم روستایی هستند (امیرانی، ۱۳۸۰). بنابراین، به منظور یافتن گروه‌های هدف ترویج الگوی جنگلداری اجتماعی، باید گروه‌های خاصی از مردم روستایی را مدنظر قرار داد که زمینه‌ی مشارکت در امور توسعه‌ای در آنها وجود دارد. از طرفی اگر بتوان الگوی جنگلداری اجتماعی را به عنوان یک نوآوری قلمداد کرد، برخی از افراد در جامعه آنرا زودتر خواهند پذیرفت. بنابراین، این افراد را می‌توان بر اساس درجه‌ی نوگرایی آنها تقسیم‌بندی نمود. آنهایی که زودتر می‌پذیرند، پیشرفته‌تر از کسانی هستند که دیرتر می‌پذیرند. عموماً زودپذیران، دارای مزارع بزرگتر و تماس بیشتر با افراد خارج از اعضای جامعه یعنی مروجان و رسانه‌های جمعی هستند. نوآوری ابتدا مورد پذیرش زودپذیران قرار می‌گیرد. آنان به دلیل موقعیت اجتماعی-اقتصادی بهتر، خطرپذیری بیشتری نیز دارند. در مرحله‌ی بعد، نوآوری به طرف پایین نفوذ می‌کند و به افرادی می‌رسد که نوگرایی کمتری دارند. نتیجه‌ی چنین سیاستی، ترکیب گروه برگزیده‌ای از افراد است که تفکرات پیشرو دارند (شاه‌ولی و عابدی‌سروستانی، ۱۳۸۴؛ عابدی-سروستانی، ۱۳۸۵؛ احمدوند و همکاران، ۱۳۸۴؛ براتی و جمشیدی، ۱۳۸۵). بنابراین، با توجه به موارد ذکر شده می‌توان گروه‌های هدف ترویج جنگلداری اجتماعی را به گروه‌هایی تقسیم‌بندی نمود که کشاورزان و دامداران، جوانان روستایی، معتمدین، رهبران محلی و زارعان



پیشرو را در بر می‌گیرند (امیرانی، ۱۳۸۰). از سویی، اطلاعات کسب شده از کارشناسان استان در امر جنگل، بیانگر آن است، افراد مسن‌تر که اغلب باتجربه‌تر بوده و دارای سطح درآمد بهتری باشند، و همچنین افرادی که باوری قوی به بحران تخریب جنگل داشته و دیدگاه مثبتی از لحاظ نگرش زیست‌محیطی شامل محیط‌گرایی، محدودیت در رشد و بحران محیطی داشته باشند، نگرش مثبت و قوی‌تری به جنگلداری اجتماعی دارند. بنابراین در یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان گفت، از میان کشاورزان و دامداران، جوانان روستایی، معتمدین، رهبران محلی و زارعان پیشرو، آن‌هایی که دارای ویژگی‌های ذکر شده باشند، می‌توانند به عنوان گروه‌های هدف ترویج در مدل ارائه‌شده، مدنظر قرار گیرند.

● **روش‌های ترویج:** روش‌های ترویجی به کلیدی فعالیت‌ها و فنونی اطلاق می‌شود که مروجان برای ارتباط با مردم از آنها استفاده می‌کنند. این روش‌ها یکی از زمینه‌های مهمی است که می‌باید در ارائه و طراحی یک مدل ترویجی مدنظر قرار گیرند (عابدی‌سروستانی و زمانی، ۱۳۸۵). همچنین، این روش‌ها، بیشتر شامل روش‌هایی است که به هر نحو، مخاطب را متقاعد نماید که روش جدید پیشنهادی، مناسب‌تر از روش‌های سنتی یا قدیمی است. از این رو، کاربرد روش‌های ترویجی به شکل ارتباط یک‌طرفه از مروج به ارباب‌رجوع است و محتوا و کیفیت ارتباط نیز توسط مروج انتخاب می‌شود (عابدی‌سروستانی، ۱۳۸۵). بی‌شک نظام ترویج منابع طبیعی نیز از این قاعده مستثنی نیست و نیاز است تا روش‌های ترویجی در این نظام نیز مورد بررسی قرار گیرند. بنابراین، به منظور ترویج جنگلداری اجتماعی، می‌توان روش‌های ترویجی زیادی را بکار بست که مهمترین آنها در جدول ۱، خلاصه شده‌اند.

جدول ۱- روش‌های ترویجی قابل استفاده در ترویج جنگلداری اجتماعی

محققان	روش ترویجی
امیرانی (۱۳۸۰)	کلاس‌های آموزشی و ترویجی، آموزش‌های کوتاه‌مدت، بازدیدهای علمی، آموزش از طریق رهبران محلی و زارعان پیشرو
عابدی‌سروستانی و زمانی (۱۳۸۵)	کلاس آموزشی، آموزش انفرادی، بحث‌های غیررسمی، ملاقات در جنگل، بحث گروهی، جلسات رسمی، ملاقات در دفتر کار، گردهمایی محلی، مسابقات آموزشی، نشریه‌های ترویجی، کارگاه آموزشی، تماس تلفنی، فیلم‌های آموزشی، برنامه‌های رادیویی، برنامه‌های تلویزیونی، انتخاب بهترین روش آموزشی
فهامی و همکاران (۱۳۸۶)	برگزاری کلاس‌های آموزشی - ترویجی، برگزاری مسابقات ترویجی پیرامون منابع طبیعی، سخنرانی در مدارس
ورامینی (۱۳۸۴)	دیدار مخاطب از اداره‌ی ترویج برای کسب اطلاعات، تماس‌های غیررسمی، انتخاب مخاطب نمونه و پیشرو، گردهمایی محلی، کارگاه آموزشی
منصوربستانی و همکاران (۱۳۸۸)	استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی، آموزش‌های فنی، برگزاری نمایشگاه‌ها، معرفی الگوهای موفق، استفاده از نشریات
ثمری و چیذری (۱۳۸۴)	روشناسی آموزشی، اطلاع‌رسانی به جنگل‌نشینان، کارگاه‌های آموزشی

منبع: یافته‌های پژوهش

اما در یک جمع‌بندی از جدول ارائه شده، می‌توان مهم‌ترین روش‌های ترویجی که با ترویج جنگلداری اجتماعی از دیدگاه گروه متمرکز کارشناسان، دارای تناسب می‌باشند، مانند روش‌های زیر خلاصه نمود:

۱- برگزاری کلاس‌های آموزشی و ترویجی با محوریت ترویج جنگلداری اجتماعی؛ ۲- بهره‌گیری از رسانه‌های ارتباط جمعی پیرامون ترویج جنگلداری اجتماعی؛ ۳- استفاده از نشریات، مجلات و بروشور با مضمون آشنایی با جنگلداری اجتماعی؛ ۴- انتخاب مخاطب نمونه و پیشرو و بهره‌گیری از او به عنوان آموزشگر؛ ۵- دیدار مخاطب از اداره‌ی ترویج برای کسب اطلاعات در خصوص جنگلداری اجتماعی؛ ۶- گردهمایی محلی در سطح روستاهای حاشیه‌ی جنگل با محوریت ترویج جنگلداری اجتماعی.

همچنین، با توجه به سایر مطالعات و پیشینه‌ها و نظر کارشناسان در مورد راهبردهای ارائه شده برای توسعه‌ی جنگلداری، این‌گونه برمی‌آید که به منظور توسعه‌ی مطلوب جنگلداری اجتماعی در منطقه‌ی مورد مطالعه باید از منابع فعلی نظیر دانش بومی و جذب مشارکت مردم محلی، استفاده‌ی بهینه‌ای نمود. فزون بر آن، فرهنگ‌سازی، کنترل وابستگی و آگاهی‌رسانی به مردم محلی از طریق ایجاد پایگاه‌های علمی - آموزشی نیز از راهبردها و راهکارهای توسعه‌ای در این زمینه می‌باشند. بنابراین، با اندکی تأمل در موارد ذکر شده، این‌گونه می‌توان استنباط نمود که به منظور کارایی بخشیدن و هدفمند نمودن روش‌های ترویجی ذکر شده، لازم است که این روش‌ها در جهت راهبردهای



ارائه شده باشند. به عبارت دیگر، می‌توان این روش‌ها را از فیلتر راهبردهای ارائه شده عبور داد تا به روش‌های ترویجی هدفمند با موضوع پژوهش دست یافت.

● **اهداف ترویج:** در مورد اهداف یک نظام ترویجی، مطالعات زیادی صورت گرفته است که اغلب آن‌ها، اهداف اصلی زیر را برای هر نظام ترویجی مناسب می‌دانند که عبارتند از (احمدوند و همکاران، ۱۳۸۴؛ شاه‌ولی و عابدی‌سروستانی، ۱۳۸۴؛ شاه‌ولی و منفرد، ۱۳۸۰؛ فهام و همکاران، ۱۳۸۸):

۱- توانمندسازی مخاطبان ترویج؛ ۲- تسهیل‌گری؛ ۳- پایداری زیست‌محیطی؛ ۴- افزایش بهره‌وری؛ ۵- برقراری عدالت. با مد نظر قرار دادن اهداف اصلی ذکر شده برای یک نظام ترویجی، می‌توان اهداف زیر را برای ترویج جنگلداری اجتماعی در نظر گرفت که عبارتند از:

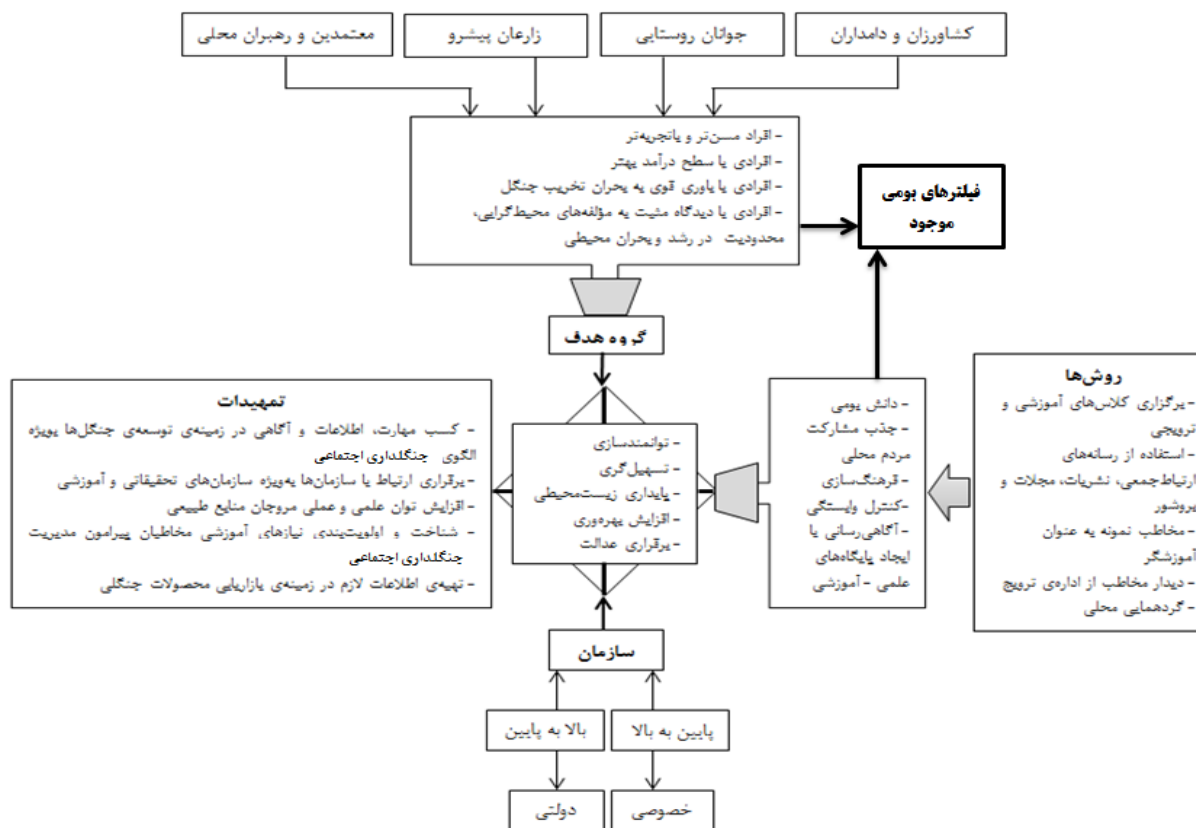
۱- توانمندسازی روستاییان حاشیه‌ی جنگل جهت مشارکت در مدیریت جنگل؛ ۲- توانمندسازی جهت حل مسئله در جنبه‌های فنی و مدیریتی جنگل؛ ۳- توانمندسازی جهت مشاوره و اطلاع‌رسانی در زمینه‌ی مدیریت جنگل؛ ۴- توانمندسازی عاملین و مخاطبین ترویج جنگلداری؛ ۵- توانمندسازی جهت کسب مهارت‌های خاص پروژه‌ها همانند هرس و یا کاشت نهال؛ ۶- توانمندسازی جهت برنامه‌ریزی مشارکتی که شامل تحلیل وضعیت، شناسایی نیازها، انتخاب اهداف مناسب، نظارت بر اجرا و ارزیابی پروژه‌ها می‌باشد؛ ۷- تسهیل‌گری در برانگیختن مردم برای انجام فعالیت‌های جنگلداری بصورت جمعی؛ ۸- تسهیل‌گری در برقراری ارتباط بین مردم روستایی و بخش جنگلداری؛ ۹- تسهیل‌گری در استفاده از دانش بومی مردم در مدیریت جنگل؛ ۱۰- رسیدن به مدیریت و توسعه‌ی پایدار جنگل بویژه پایداری زیست‌محیطی؛ ۱۱- افزایش بهره‌وری در تولید محصولات جنگلی؛ ۱۲- برقراری عدالت اجتماعی در جامعه‌ی روستایی و رعایت عدالت بین‌نسلی در استفاده از منابع جنگلی.

● **تمهیدات ترویج:** تمهیدات ممکن است شامل اطلاعات، کالا و خدمات باشد. غالباً ترویج به ارائه‌ی مشاوره، توصیه‌ها و آموزش محدود می‌شود و توزیع کالا و خدمات به دیگر ادارات و شرکت‌های تجاری واگذار می‌شود (احمدوند و همکاران، ۱۳۸۴). اما با توجه به سایر اجزای ترویج در مدل حاضر، می‌توان تمهیدات مورد نظر را به شرح زیر خلاصه نمود:

۱- کسب مهارت، اطلاعات و آگاهی در زمینه‌ی مدیریت و توسعه‌ی جنگل‌ها به‌ویژه الگوی جنگلداری اجتماعی؛ ۲- برقراری ارتباط با سازمان‌های مختلف به‌ویژه سازمان‌های تحقیقاتی و آموزشی؛ ۳- افزایش توان علمی و عملی مروجان منابع طبیعی؛ ۴- توانایی شناخت و اولویت‌بندی نیازهای آموزشی مخاطبان پیرامون جنگلداری اجتماعی و ۵- تهیه‌ی اطلاعات لازم در زمینه‌ی بازاریابی محصولات جنگلی

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در این پژوهش همان‌گونه که در قسمت‌های قبل ذکر شد، به منظور ارائه‌ی مدل توسعه‌ای-ترویجی مناسب برای توسعه‌ی جنگلداری اجتماعی در منطقه‌ی مورد مطالعه، از مدل ترویجی رولینگ و تدوین محتوایی و ساختاری ابعاد آن با نظر گروه کارشناسان و سایر مطالعات بهره‌گیری شد. در ادامه بررسی موردی هر یک از ابعاد در دستور کار قرار گرفت. با توجه به موارد ذکر شده در این بررسی‌ها، می‌توان مدل ترویجی-توسعه‌ای مورد نظر را مانند شکل ۲، ارائه نمود.



شکل ۲- مدل مناسب توسعه‌ی جنگلداری اجتماعی در منطقه‌ی مورد مطالعه

مدل حاضر از پنج بُعد شامل گروه‌های هدف، روش‌ها، سازمان ترویج، تمهیدات و اهداف توسعه جنگلداری اجتماعی تشکیل شده است که دو بعد گروه‌های هدف و روش‌ها از فیلترهای بومی موجود عبور داده شدند. این مدل بیان می‌دارد که برای توسعه و ترویج جنگلداری اجتماعی در بخش مارگون باید گروه‌های هدف خاصی از قبیل کشاورزان و دامداران، جوانان روستایی، زارعان پیشرو و معتمدین و رهبران محلی را مدنظر قرار داد و این افراد می‌بایست از افراد مسن‌تر و باتجربه‌تر و با سطح درآمد بهتر انتخاب گردند. همچنین این افراد باید باوری قوی به بحران تخریب جنگل داشته باشند و دیدگاه مثبتی به مؤلفه‌های محیط‌زیستی از قبیل محیط‌گرایی، محدودیت در رشد و بحران محیطی داشته باشند، زیرا ویژگی‌های ذکر شده دغدغه‌های محیطی این افراد را نشان داده که باعث رفتار مناسب در حفظ و حراست از محیط در آنها می‌گردد. همچنین، این مدل برخی روش‌ها را برای توسعه و ترویج جنگلداری اجتماعی در بخش مارگون را معرفی می‌کند که این روش‌ها باید از یک فیلتر بومی مهم عبور داده شوند. به عبارت دیگر روش‌هایی که برای توسعه و ترویج جنگلداری اجتماعی در منطقه بکار برده شوند باید توانایی تلفیق با دانش بومی منطقه در امر جنگلداری را دارا باشند. همچنین از روش‌هایی استفاده شود که قدرت جذب مشارکت حداکثری روستاییان، بویژه روستاییان حاشیه‌ی جنگل را دارا باشد که در این زمینه می‌توان از روش‌های آسان‌تر و قابل دسترس مثل برگزاری کلاس‌های آموزشی صحرائی و غیره استفاده نمود. همچنین روش‌هایی که انتخاب می‌گردند باید پتانسیل فرهنگ‌سازی در زمینه توسعه جنگلداری اجتماعی را دارا باشند. این بدان معناست که روش‌ها باید عیناً در جهت فرهنگ جنگلداری و بویژه جنگلداری اجتماعی انتخاب گردند و بتوانند روستاییان را با هدف "جنگل با مردم، جنگل برای مردم" آشنا سازند. همچنین در انتخاب روش‌ها باید به مقوله کنترل وابستگی مردم به منابع جنگلی توجه نمود و روش‌هایی انتخاب گردد تا این وابستگی را تعدیل سازد. زیرا شرط اول توسعه جنگلداری اجتماعی کنترل وابستگی فعلی جنگل‌نشینان می‌باشد. فزون بر آن، از روش‌هایی استفاده شود که در آن ویژگی آگاهی‌رسانی در مورد جنگلداری اجتماعی وجود داشته باشد که در این زمینه می‌توان با ایجاد پایگاه‌های علمی-آموزشی در مورد



جنگلداری اجتماعی بر این مهم فائق آمد. در ادامه، برای توسعه و ترویج جنگلداری اجتماعی در بخش مارگون، باید سازمانی متولی این امر باشد. از آنجایی که اساس توسعه رهیافت جنگلداری اجتماعی در یک منطقه، مشارکت محلی می‌باشد، لذا در این قسمت هر سازمانی، اعم از دولتی یا خصوصی که متولی این خواهد شد باید در طرح و برنامه‌ریزی پروژه‌های جنگلداری اجتماعی، اجرا و ارزشیابی آن از دانش و ظرفیت مردم محلی بهترین بهره را ببرد و آنها را نیز در این امر دخیل سازد. همچنین با توجه به مدل، تمهیداتی نیز پیشنهاد گردید که به منظور توسعه و ترویج جنگلداری اجتماعی در بخش مارگون باید مدنظر قرار گیرند. در این زمینه باید همه گروه‌های ذینفع در توسعه‌ی جنگلداری اجتماعی باید مهارت‌ها، آگاهی و اطلاعات خود را افزایش دهند و در این زمینه با سازمان‌های تحقیقاتی و آموزشی ارتباط داشته باشند. همچنین مروجان منابع طبیعی باید توان علمی و عملی در رابطه با توسعه و ترویج جنگلداری اجتماعی را افزایش دهند. فزون بر آن مقوله نیازسنجی آموزشی و اولویت‌بندی نیازها در زمینه جنگلداری اجتماعی باید در دستور کار قرار گیرد و در نهایت کسب اطلاعات در زمینه‌ی بازاریابی برای محصولات جنگلی حاصل از پروژه‌های جنگلداری اجتماعی موضوعی است که باید برای برنامه‌ریزی‌های اقتصادی آینده این رهیافت مد نظر قرار گیرد. در حالت کلی، برای توسعه و ترویج جنگلداری اجتماعی در بخش مارگون باید پنج هدف اصلی توانمندسازی، تسهیلتگری، پایداری زیست‌محیطی، افزایش بهره‌وری و برقراری عدالت مد نظر قرار گیرد که این اهداف در راستای توسعه پایدار روستایی، بویژه روستاهای حاشیه جنگل نیز می‌باشد.

با توجه به ابعاد تشریح شده در مدل، پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌گردد:

۱- با توجه به ساختار مدل، به برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران حوزه ترویج کشاورزی و منابع طبیعی استان کهگیلویه و بویراحمد پیشنهاد می‌گردد که در برنامه‌ریزی آتی ترویج، از رویکرد بومی‌سازی مدل‌های ترویجی جهت نسخه‌نویسی ترویج جنگلداری اجتماعی برای سایر مناطق بهره‌گیری نمایند.

۲- با توجه به فیلترهای بومی موجود در ساختار مدل، به کارشناسان و سایر محققان پیشنهاد می‌گردد، ضمن شناسایی فیلترهای بومی بیشتر، در راستای کامل نمودن مدل برآیند.

۱- به محققان آینده در این زمینه توصیه می‌گردد که از سایر مدل‌های اولیه ترویجی برای ارائه مدل استفاده نمایند تا سایر مجهولات مدل شناسایی گردد.

فهرست منابع

- احمدوند، م.، شریف‌زاده، م.، و شاه‌ولی، م. (۱۳۸۴). آینده‌ی ترویج و روندهای آن؛ یک فراتحلیل. *فصلنامه‌ی روستا و توسعه*. دوره ۸، شماره ۲: صص ۱۰۴-۱۵.
- امیرانی، م. ه (۱۳۸۰). بررسی انتظارات مردم روستایی از نظام ترویج. *نشریه‌ی اقتصاد، جهاد*. دوره ۲۱، شماره‌های ۲۴۶ و ۲۴۷، صص ۷۳-۶۲.
- آقاسی‌زاده، ف.، و حسینی، س. م. (۱۳۸۳). تحلیل عوامل و الزامات نوین تجدید ساختار سازمانی ترویج کشاورزی ایران. *پژوهش‌ها و سازندگی در زراعت و باغبانی*، دوره ۱۷، شماره ۳، صص ۹۳-۸۰.
- براتی، ا.، و جمشیدی، ح. (۱۳۸۵). موانع و راهکارهای توسعه‌ی فرهنگ تعاون. *نشریه‌ی اقتصاد، تعاون*، شماره ۱۸۶، صص ۳۳-۱۶.
- بهتاش، م. ج.، آجیلی، ع.، و اشرفی، پ. (۱۳۸۵). نگرش کارکنان ترویج کشاورزی منطقه‌ی شمال غرب استان خوزستان نسبت به خصوصی‌سازی ترویج کشاورزی و عوامل مؤثر در آن. *علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*. سال ۲، شماره ۲، صص ۱۲۱-۱۱۱.
- پاپ‌زن ع. ح.، حسینی، س. م.، ازکیا، م.، و عمادی، م. ح. (۱۳۸۶). تدوین مدل مفهومی حاصل از تلفیق دانش بومی و رسمی با استفاده از نظریه‌ی بنیانی به منظور دستیابی به رهیافت ترویجی مناسب؛ مطالعه‌ی موردی منطقه بیلوار شهرستان کرمانشاه. *اقتصاد کشاورزی و توسعه*. دوره ۱۵، شماره ۵، صص ۱۷۶-۱۵۱.
- ثمری، د.، و چیذری، م. (۱۳۸۴). طراحی الگوی مناسب ترویج جنگلداری اجتماعی در حوزه‌ی رویشی زاگرس. *مجله‌ی علمی - پژوهشی علوم کشاورزی*، دوره ۱۱، شماره ۳، صص ۴۷-۲۱.



- حیدری، ع.، شهبازی، ا.، و حسینی، س. م. (۱۳۸۴). جایگاه رهیافت‌های ترویجی در توسعه کشاورزی پایدار ایران. *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، دوره ۱۳، شماره ۵۲، صص ۱۷۹-۱۵۵.
- رحیمیان، ج.، محمدی، س.، و عبادیانی، و. (۱۳۸۹). منابع طبیعی زیر بنای توسعه‌ی استان؛ مطالعه موردی (تنگ تامرادی در شهرستان بویراحمد). همایش منطقه‌ای توریسم و توسعه. دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج. یاسوج.
- رضوانفر، ا.، و شریف‌زاده، ا. (۱۳۸۲). جنگلداری اجتماعی رهیافتی نظام‌مند برای توسعه‌ی پایدار منابع جنگلی با مردم و برای مردم. *فصلنامه‌ی روستا و توسعه*، سال ۶، شماره ۲۴، صص ۷۵-۴۹.
- زندبصری، م.، و غضنفری، ه. (۱۳۸۹). تدوین مهمترین پیامدها و عوامل تأثیرگذار بر مدیریت مردم محلی جنگل‌های زاگرس؛ مطالعه‌ی موردی حوضه‌ی آبخیز قلعه‌گل استان لرستان. *مجله‌ی جنگل ایران*، سال ۲، شماره ۲، صص ۱۳۸-۱۲۷.
- سازمان جنگل‌ها و مراتع. (۱۳۹۵). پورتال سازمان جنگل‌ها و مراتع. قابل دسترسی در سایت اینترنتی <http://www.frw.org.ir>.
- شاهولی، م.، و عابدی‌سروستانی، ا. (۱۳۸۴). تحقق رویکردهای جهانی آتی ترویج کشاورزی با کمک نظریه‌ی مدیریتی سازمان‌های فراگیر. *فصلنامه‌ی روستا و توسعه*، سال ۸، دوره ۴، صص ۱۴۵-۱۱۳.
- شاهولی، م.، و منفرد، ن. (۱۳۸۰). رهیافت‌های مهباسازی ترویج کشاورزی برای توسعه‌ی انسانی در قرن ۲۱. شیراز: انتشارات دانشکده‌ی کشاورزی دانشگاه شیراز، ۲۲۳ صفحه.
- شمشاد، م. (۱۳۸۷). جنگلداری مشارکتی، راهکاری جهت حفظ، احیاء و توسعه‌ی جنگل. *ماهنامه سنبله*، دوره ۲۱، شماره ۱۷۶، صص ۷۶-۷۲.
- طراوتی، ح. (۱۳۸۱). اقتصاد زیست محیطی راه حل بحران محیط زیست. نشر هوای تازه، ۳۱۲ صفحه.
- عابدی‌سروستانی، ا. (۱۳۸۵). جایگاه ترویج در توسعه با تأکید بر مشارکت. *فصلنامه‌ی روستا و توسعه*، دوره ۹، شماره ۱، صص ۱۶۵-۱۳۷.
- عابدی‌سروستانی، ا.، و زمانی، غ. ح. (۱۳۸۵). روش‌های ارتباطی در ترویج منابع طبیعی (مطالعه‌ی موردی: استان فارس). *مجله‌ی علوم کشاورزی و منابع طبیعی*، دوره ۱۳، شماره ۵، صص ۱۳۸-۱۲۵.
- عبادی، م. (۱۳۸۵). تجربه یک نهاد مشارکتی جدید برای مدیریت جنگل (جنگل مدل). *فصلنامه‌ی نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی*، سال ۴، شماره ۱۴، صص ۶۱-۵۵.
- عبداللهی، م. (۱۳۸۲). ترویج و توسعه‌ی کشاورزی در ایران. *نامه‌ی علوم اجتماعی*، شماره ۲۱، صص ۶۵-۳۱.
- فرخی، ص.، و صدیقی، ح. (۱۳۸۴). بررسی نگرش کشاورزان و کارشناسان استان ایلام نسبت به خصوصی‌سازی ترویج کشاورزی. *مجله علوم کشاورزی ایران*، دوره ۳۶، شماره ۲، صص ۴۰۸-۳۹۹.
- فهام، ا.، رضوانفر، ا.، و درویش، ا. ک. (۱۳۸۸). مشارکت در جنگلداری اجتماعی. تهران، نشر پلک، ۱۴۲ صفحه.
- فهامی، ا.، مختارنیا، م.، درویش، ا. ک.، و رضوانفر، ا. (۱۳۸۶). دیدگاه اعضای سازمان‌های غیردولتی منابع طبیعی تهران پیرامون زمینه‌های مشارکت در ترویج منابع طبیعی. *علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، سال ۳، شماره ۲، صص ۹۵-۸۵.
- فیاضی، م. م. (۱۳۷۷). برنامه‌ریزی در ترویج. فرهنگ جهاد، شماره ۱۱.
- محمودی کرمجوان، ج.، و میردامادی، س. م. (۱۳۸۴). تمرکززدایی برای توسعه‌ی ترویج کشاورزی. *نشریه‌ی اقتصاد، جهاد*، دوره ۲۵، شماره ۲۶۹، صص ۱۲-۳.
- منصوبستانی، ر.، حیدری، ع.، و صدیقی، ح. (۱۳۸۸). بررسی عوامل مؤثر بر ترویج و توسعه‌ی فرهنگ تعاون در استان سیستان و بلوچستان. *تعاون*، دوره ۲۰، شماره ۲۱۰ و ۲۱۱، صص ۵۳-۳۵.
- ورامینی، ن. (۱۳۸۴). روش‌های آموزش و ترویج تعاون. *نشریه‌ی اقتصاد، تعاون*، شماره ۱۶۴، صص ۲۹-۲۵.
- Bielski, S. (۲۰۰۸). Exotic species in social forestry Programs: An analysis of ecological and economic impacts. *SPEA Honors Paper Series*, ۲ (۱۰), ۱-۲۳.
- Dongre, P. (۲۰۱۱). Role of social forestry in sustainable development: A micro level study. *International Journal of Social sciences and Humanity Studies*, ۳ (۱), ۳۵۱-۳۶۴.



- Ezebilo, E. (۲۰۱۲). Community forestry as perceived by local people around crosses river National Park, Nigeria. *Environmental Management*, ۴۹, ۲۰۷-۲۱۸.
- FAO. (۱۹۹۴). Reading in sustainable forest management. *Forestry Paper*, ۱۲۲, ۲۳۶-۲۳۸.
- Hasegawa, M., Pulhin, J., and Inoue, M. (۲۰۱۲). Facing the challenge of social forestry in Japan: The case of reviving harmonious coexistence between forest and people in Okayama prefecture. *Small-scale Forestry*, ۱-۱۹.
- Roling, N. (۱۹۸۲). Alternative approach in agricultural extension. *Agriculture Progress Journal*, ۲۲ (۱), ۲۰-۳۶.
- Shackleton, C. M., Shackleton, S. E., Buiten, E., and Bird, N. (۲۰۰۷). The importance of dry woodlands and forests in rural livelihoods and poverty alleviation in South Africa. *Forest Policy and Economics*, ۹ (۵), ۵۵۸-۵۷۷.
- Wiersum, K., Humphries, S. and van Bommel, S. (۲۰۱۱). Certification of community forestry enterprises: experiences with incorporating community forestry in a global system for forest governance. *Small-scale Forestry*, ۳, ۶-۱۹.